

## نقش احزاب و انتخابات در دموکراسی پارلمانی

(مقایسه تطبیقی نظام حقوقی و سیاسی انگلیس)

پروفیسور سید حسن امین



- دوم، مجلس لردها ( معادل مجلس شیوخ، اعیان یا سنا در نظام های حقوقی دیگر). متشکل از بیش از یک هزار لرد : شامل شانزده (۱۶) لرد حقوقدان و قاضی، بیست و شش (۲۶) لرد روحانی و اسقف، صدها لرد مادام العمر Life peer که در پی خدمات های بزرگ در زمینه های مختلف اعم از سیاست، اقتصاد، فعالیت های اجتماعی و خدمات خیریه به عضویت مجلس لردان منصوب می شوند و مادام العمر به این عنوان خوانده می شوند، اما این سمت قابل انتقال به وارثان ایشان نیست. و بقیه لردهای موروثی که اشراف زادگان قدیم انگلیس اند و این منصب را از آباء و اجداد خود به ارث برده اند. بدین گونه، اعضاء مجلس لردها همه انتصابی و برعکس، نمایندگان مجلس عوام همه انتخابی اند. اعضاء مجلس لردها، حق شرکت در انتخابات به عنوان نماینده ی مجلس عوام را ندارند، مگر آن که از مقام موروثی خود صرف نظر کنند.

### انتخابات مجلس عوام

نمایندگان مجلس عوام در حوزه های انتخابی با رای مستقیم اهالی آن حوزه انتخاب می شوند. نام کسانی که به مدت یک سال در حوزه ی انتخابی سکونت داشته باشند، معمولاً در لیست انتخاب کنندگان آن حوزه ی انتخابی ثبت است و باید در روز انتخابات، در همان حوزه رای خود را به صندوق بدهند. کسانی که پیش بینی می کنند روز معهود در محل نیستند، باید از پیش این موضوع را به حوزه ی انتخابی خود اطلاع دهند تا بتوانند از طریق پست رای

نظام سیاسی انگلستان، رژیم مشروطه ی عرفی سلطنتی موروثی است. مشروطه است، به این معنی که استبدادی نیست، عرفی است، به این معنی که حقوق اساسی نوشته و مدون ندارد. سلطنتی موروثی است. به این معنی که جمهوری نیست. در عین حال، ملکه یک مقام کاملاً تشریفاتی و فاقد قدرت اجرایی است. حکومت، یک جا در اختیار پارلمان است. به این معنی که هیات دولت جملگی، اعضاء مجلس عوام یعنی نمایندگان منتخب مردم اند و به همین دلیل، نظام سیاسی انگلستان دموکراسی پارلمانی است. با نبود قانون اساسی نوشته شده، اصول حقوق اساسی در انگلستان بر پایه ی منابع مختلفی همچون قوانین موضوعه ی عادی مصوب پارلمان، آراء دادگاه های عالی، حقوقی عرفی (Common law)، عرف و قراردادهای سیاسی استوار است. از این نظر مقایسه و تطبیق آن از جهت انتخابات و نظام حزبی برای کشورهای دیگر حائز اهمیت است. پارلمان انگلیس از دو مجلس تشکیل شده است - اول، مجلس عوام که متشکل از ششصد و پنجاه (۶۵۰) نماینده ی مجلس است. در این مقاله، از نقش احزاب در انتخاب نمایندگان این مجلس به تفصیل بحث خواهد شد.

خود را به مسئولان صندوق انتخابات برسانند.

پس از انتخابات عمومی General election مجلس عوام، حزبی که بیشترین تعداد نمایندگان انتخاب شده را به دست آورد، قدرت سیاسی را به دست می‌گیرد و رئیس آن حزب، نخست‌وزیر می‌شود. نوعاً، حزب اقلیت به عنوان بدیل Alternative از پیش از اعلام نتایج انتخابات هیات وزیران در حال انتظار خود را با عنوان "کابینه سایه Cabinet Shadow" معرفی کرده است. بنابراین چه حزب حاکم، در نتیجه‌ی انتخابات ابقاء شود و چه حزب اقلیت، در انتخابات برنده شود، مردم با چهره‌ی وزیران از پیش آشنایی دارند.

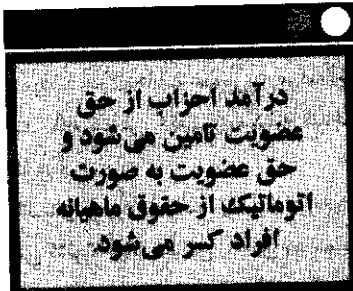
دوره‌ی مجلس عوام، پنج سال است ولی در عمل قبل از اتمام دوره‌ی مذکور، نخست‌وزیر می‌تواند دستور تجدید انتخابات را بدهد. البته از نظر تشریفاتی، دستور انحلال مجلس را ملکه می‌دهد. اما برابر عرف مسلم، ملکه جز با صواب دید و پیشنهاد نخست‌وزیر، حق انحلال مجلس را ندارد. در انگلستان، همیشه سیستم دو حزبی فعال بوده است. یعنی هر چند



احزاب کوچک متعددی با مانیفست‌های خیلی تند و رادیکال. حتی حزب کمونیست. همیشه به طور رسمی در انگلستان فعالیت داشته‌اند. اما در عمل فقط دو حزب قوی وجود دارد که در هفتاد سال اخیر همیشه یکی از این دو حزب، قدرت را در انگلستان در اختیار گرفته است. این دو حزب، یکی حزب کارگر Labour Party و دیگری حزب محافظه کار Conservative Party Unionist and است. حزب کارگر در سال ۱۹۰۶ میلادی تشکیل شد و اکنون تونی بلر Tony Blair رئیس حزب کارگر، نخست‌وزیر انگلستان است. حزب محافظه کار در سال ۱۸۳۳ میلادی تشکیل شد و تا قبل از پیروزی حزب کارگر، رئیس حزب محافظه کار، نخست‌وزیر این کشور بود. این سیستم دو حزبی، منافی دارد و معایبی، مهم‌ترین منافع این سیستم، آن است که سوابق و لواحق احزاب و اهداف و برنامه‌های آن‌ها، مشخص و قابل پیش‌بینی و قابل اعتماد است. حزب کارگر، به سوسیالیسم گرایش دارد و مدافع حقوق کارگران و کارمندان است. از طبقه ثروتمند و پر درآمد، مالیات مضاعف و تصاعدی می‌گیرد و آن را به نفع اکثریت در زمینه‌های

عمومی مثل تامین اجتماعی، حق بیمه‌ی بیکاری، بهداشت و درمان مجانی، آموزش و پرورش رایگان و ... هزینه می‌کند. برعکس، حزب محافظه کار، به کابینالیسم گرایش دارد و مدافع حقوق کارفرمایان است. به اعتقاد این حزب، کارگری که قانون خیلی پشتیبان وی باشد و حق اعتصاب داشته باشد، مدیریت را تضعیف کرده و تولید را به خطر می‌اندازد. کارگر باید در برابر دستمزدی که می‌گیرد، خوب کار کند و هر چه مدیریت، مصلحت می‌داند و به نفع اقتصاد ملی است باید تعقیب شود. مالیات‌ها نباید به حدی سنگین باشد که اشخاص از به کارگرفتن سرمایه‌ی خود بیمناک شوند. همچنین، حق بیمه‌ی بیکاری نباید به حدی

به رفاه کارگر بیکار بینجامد که بیکاران، شوقی برای بازگشت به کار نداشته باشند و به مفت خوری عادت کنند. این‌ها خلاصه‌ی طرز تفکر حزب محافظه کار است. بنابراین، هم حزب کارگر و هم



حزب محافظه کار برنامه‌هایشان برای انتخاب کنندگان (رای دهندگان در انتخابات مجلس عوام) روشن است و این یکی از منافع داشتن سیستم دو حزبی است.

لذا مهم‌ترین معایب سیستم دو حزبی، این است که مانع تلاوم و استمرار در برنامه‌ریزی‌های ملی می‌شود. به این معنی که هر از چندی، با تعویض حکومت از یک حزب به حزب دیگر، آن چه حزب غالب قبلی کرده به دست رقیب تازه به قدرت رسیده تخریب می‌شود. به دلیل همین عیوب سیستم دو حزبی است که جمعی از اهل نقد و نظر، برای احزاب کوچک‌تر - به ویژه حزب معتدل لیبرال Liberal Party هم نقشی قائل‌اند.

حزب کوچک لیبرال در سال ۱۹۷۷ به رهبری دیوید استیل David steel نماینده‌ی مجلس عوام منتخب از اسکاتلند، با حزب کارگر به رهبری جیمز کالاهان James Callaghan ائتلاف کرد. در آن سال، حزب حاکم (کارگر)، اکثریت خود را در مجلس از دست داده بود و قاعدتاً باید سقوط می‌کرد و انتخابات عمومی جدیدی شروع می‌شد. اما حزب لیبرال که تعدادی انگشت شمار نماینده داشت، از اهداف حزب کارگر حمایت کرد و با ائتلاف با حزب کارگر، مدتی آن دولت را بر سر کار نگاه داشت.

دو سه سال بعد، جمعی از اهل حل و عقد انگلستان، با انتقاد از سیستم دو حزبی و برای تعدیل سیاست‌های تند حزب کارگر، حزب سوم دیگری به نام سوسیال دموکرات Social Democrat تشکیل دادند. موسسان اصلی این حزب، لرد جنکینز Lord Jehkins رئیس اسبق کمیسیون اتحادیه اروپا و لرد دیوید اون David Owen وزیر امور خارجه پیشین انگلستان بودند که از حزب کارگر استعفا داده و این حزب جدید را تاسیس کردند. لرد جنکینز، پس از بازگشت از بروکسل و اتحادیه‌ی اروپا وقتی خواست وارد سیاست داخلی شود، به شهر گلاسگو آمد و از حوزه‌ی انتخاباتی محل سکونت من در آن شهر که دانشگاه گلاسگو هم در همان حوزه واقع بود یعنی محله‌ی

هیلهد Hillhead آن شهر به نمایندگی مجلس عوام رسید. وی همچنین اهل قلم و صاحب تالیفاتی چند است و به منزل من هم در گلاسکو آمده است او بعد هم رئیس دانشگاه آکسفورد شد. با این همه حزب سوسیال دموکرات به اهداف خود نرسید و بعد از چندی مجبور شد با حزب لیبرال ادغام شود و حالا حزب سوم انگلیس لیبرال دموکرات Liberal Democrat نام دارد.

## نظام حزبی

در انگلستان، تحزب به کمال رسیده است و رهبران احزاب دارای قدرت و نفوذ فوق العاده‌ای هستند. تحزب، نتیجه‌ی قبول اصل تکثر، بلکه تعارض و عقاید است. غرض از داشتن احزاب این است کم حکومت را در دست بگیرند و مانعست حزب خود را پس از موفقیت در انتخابات عمومی، به مرحله اجرا در آورند. بنابراین این، فهم درست نظام سیاسی انگلستان، مستلزم شناخت کامل نظام حزبی حاکم در این کشور است.

دموکراسی پارلمانی در انگلستان بر روی احزاب سیاسی بسیار قوی، پایه‌گذاری شده است. نهاد سیاسی کشور، احزاب سیاسی را تا این حد حمایت و پشتیبانی می‌کند که هر کسی که در انتخابات برنده شود، سالیانه مبلغ یک هزار و پانصد (۱۵۰۰) پوند و برای هر دوپست رای در انتخابات سه (۳) پوند از بودجه‌ی عمومی کشور دریافت می‌کند. بنابراین مثلاً حزب کارگر Party Labour با آراه زیادی که در انتخابات دارد، حدود یک میلیون پوند از بودجه‌ی عمومی کشور می‌گیرد.

در انتخابات، عموماً همه‌ی نامزدهای جدی کسانی‌اند که از طرف یکی از احزاب به عنوان کاندیدای رسمی آن حزب حمایت می‌شوند. در عین حال، هیچ منع قانونی برای آن

که کسی به عنوان کاندیدای

منفرد بدون پشتیبانی احزاب

وارد انتخابات شود، وجود ندارد.

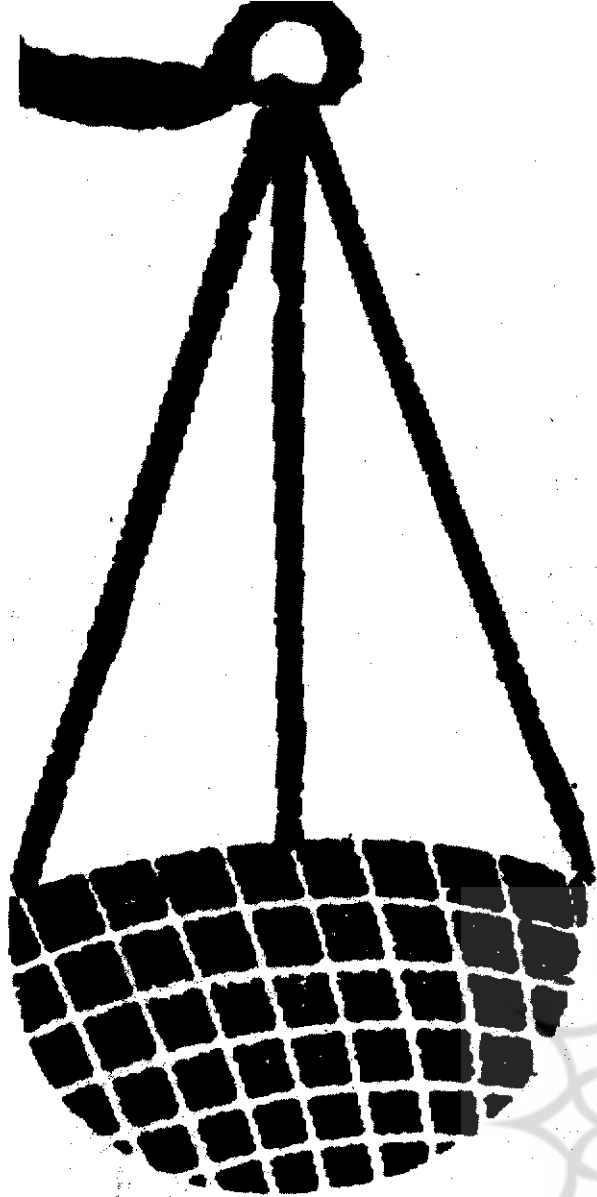
لذا قانوناً هر کسی می‌تواند خود

را نامزد انتخابات مجلس یا

شوراهای محلی (انجمن شهر) کند. اما برای این که کسی برای استهزاء و تخفیف انتخابات خود را خرمگس معرکه نکند، هر کاندیدای مجلس عوام باید مبلغ پانصد (۵۰۰) پوند در صندوق انتخابات ودیعه بگذارد. اگر نامزدی کمتر از پنج درصد آرای حوزه‌ی انتخابی مورد نظر را به دست آورده‌ودیعه‌ی پانصد پوندی او به نفع دولت ضبط می‌شود.

## پیشینه و تعداد احزاب در انگلستان

سابقه تحزب در انگلستان به اوائل قرن هفدهم میلادی یعنی نزدیک به چهارصدسال پیش (زمان روی کار آمدن سلسله‌ی استوارت‌ها در ۱۶۰۳ و اختلاف‌های مذهبی آن دوره) می‌رسد. در پی اختلاف‌های مزبور در پارلمان نسبت به اختیارات شاه و کلیسای از ۱۶۶۰ به بعد دو حزب مهم در انگلستان پیدا شد. حزب دست راستی به نام توری‌ها Tories و دیگری حزب دست چپی به نام ویگ‌ها Whigs بود. ویگ‌ها از طبقه متوسط شهرنشین یا بورژوا و



طالب آزادی بیشتر و توری‌ها از طبقه حاکم زمین‌دار و اشراف و طرفدار نظام سیاسی موجود بودند. لذا اولی دست چپی و دومی دست راستی بود. بعدها، احزاب دیگر همین نظام دو حزبی دست راستی و دست چپی را ادامه دادند. اما نظام کامل و جدی دو حزبی از سال ۱۸۳۲ میلادی به بعد یعنی حدود یکصد و شصت سال قبل، در پی اصلاحات قانونی در انگلستان پایه‌گذاری شد. از آن به بعد، دو حزب بسیار مهم یعنی حزب لیبرال Liberal Party و حزب محافظه کار Conservative Party در برابر هم قرار گرفتند نظام حزبی در قرن نوزدهم به اوج شکوفایی خود رسید.

از اواخر قرن نوزدهم به خصوص بعد از جنگ اول جهانی (یعنی در ۱۹۲۰ میلادی که با بازگشت جوانان از جبهه‌های جنگ، امکانات کافی برای جذب این نیروهای انسانی به کار و جلب رضایت آنان در اقتصاد ورشکسته‌ی انگلستان وجود نداشت) و هماهنگی تشکل‌های سیاسی (از جمله فدراسیون دموکراتیک که در سال ۱۸۸۱ توسط ویلیام موریس و اله تنور - دختر کارل مارکس تأسیس شده بود) و سازمان‌های کارگری که اول بار در اسکاتلند در سال ۱۸۸۴ تشکیل شده بودند به ایجاد حزب کارگر Labour Party در ۱۹۰۶ انجامید که منبعت از کمیته‌ی نمایندگی کار به رهبری رمزی مک دانلد R. MacDonald بود و از آن پس، احزاب کارگر و محافظه کار، دو حزب عمده شدند و حزب لیبرال که از ۱۹۰۵ تا پایان جنگ جهانی اول در انگلستان بر سر کار بود، بر اثر رشد حزب کارگر، از رونق افتاد و به حزب کوچکی تبدیل شد که فقط در بعضی از مقطع‌ها که حزب حاکم، اکثریت لازم را کسب نکرده بود، به عنوان حزب ائتلافی اهمیت پیدا می‌کرد. اما در همه‌ی ادوار انتخابات بعد از جنگ جهانی دوم تا دو سه سال اخیر مشخص شد که همیشه بین نود و سه درصد تا نود و هفت درصد آراء به دو حزب بزرگ کارگر و محافظه کار داده شده و احزاب کوچک دیگر - همه روی هم رفته بین سه درصد تا هفت درصد از آراء اهالی انگلستان را کسب کرده‌اند. اما پس از شکست محافظه کاران در انتخابات عمومی اخیر، حزب لیبرال دموکرات در انتخابات پارلمان چهل نفر نماینده پیدا کرد و در انتخابات محلی هم از حزب محافظه کار پیشی گرفت.

احزاب کوچک و کم اهمیت انگلستان (به ترتیب اهمیت) عبارتند از: حزب لیبرال، سوسیال دموکرات، حزب ناسیونالیست اسکاتلند،

حزب ناسیونالیست ولز، شین فین (حزب استقلال طلب ایرلند شمالی)، حزب کمونیست بریتانیای کبیر، جبهه‌ی ملی National Front که در انگلستان یک حزب نژادپرست فاشیست معتقد به برتری و اولویت انگلیسی‌ها و اخراج مهاجران آفریقایی و آسیایی از این کشور است، و حزب سبز Party Green که حامی محیط زیست و طرفدار صلح و تسامح و آشتی با طبیعت و پرهیز از زیاده‌طلبی و ماده‌پرستی است و در حقیقت فعالیت سیاسی‌اش جنبه نمادین و سمبلیک دارد.

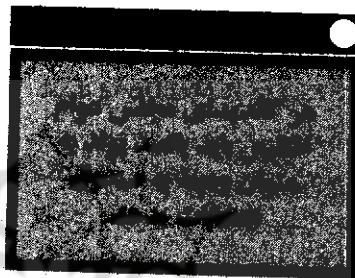


## احزاب در نظام حقوقی انگلستان

در انگلیس، قانون اساسی نوشته شده وجود ندارد. بنابراین بر خلاف اکثر کشورهای جهان (از جمله ایران) که آزادی احزاب در قانون اساسی تضمین شده است، در انگلستان، قانونی وجود ندارد که از آزادی احزاب و تشکل‌های سیاسی به عنوان یکی از حقوق شهروندان انگلیسی صحبت کند. مهم‌تر آن که نه تنها حقوق اساسی انگلیس بلکه حتی قوانین عادی (مثل قانون انتخابات) در باره احزاب سیاسی ساکت هستند و مقررات خاصی در قوانین مصوب و مدون انگلیس در باره احزاب سیاسی وجود ندارد. بلکه تمام این تشکیلات مهم سیاسی بر اساس عرف و سنت جاری و رایج است.

قانون مربوط به شخصیت‌های حقوقی Corporations بین شخصیت‌های متاوانی‌ها یا شخصیت حقوقی شرکت‌های غیرتجاری با احزاب سیاسی تفاوتی قائل نیست. خود نویسنده - به عنوان وکیل دادگاه‌های عالی در اسکاتلند Advocate در یک پرونده‌ی حقوقی دخیل بودم که یکی از کارمندان رسمی حزب کارگر در اسکاتلند علیه حزب کارگر در دادگاه عالی

ادینبو رو اقامه دعوی کرده بود و به استناد اساسنامه‌ی حزب کارگر، درست مثل مقررات یک اساسنامه هر شخصیت حقوقی عادی دیگر، از دادگاه تقاضا کرده بود که از اجرای تصمیمات کمیته‌ی مرکزی حزب نسبت به حذف او از کارگر



رسمی حزب اسکاتلند جلوگیری شود. در یک مورد دیگر، یکی از نمایندگان مجلس عوام به نام براون Brown که در آستانه‌ی انتخابات بعدی، به وسیله‌ی کمیته محلی حزب کارگر کنار گذاشته شده بود، به استناد اساسنامه‌ی حزب در دادگاه عالی ادینبو رو اقامه دعوی کرده بود که تصمیم‌گیری کمیته‌ی محلی حزب، خلاف مقررات عمومی است و او باید این حق را داشته باشد که در انتخابات شرکت کند.

در حقوق موضوعه‌ی انگلیس، در قانون مربوط به شرکت‌های خیریه Charities تصریح شده است که این شرکت‌های خیریه نمی‌توانند، جنبه‌های سیاسی داشته باشند و اهداف سیاسی را تعقیب کنند. تا حدی، شاید به دلیل همین محدودیت‌های نظری و عملی است که کمک‌های مالی که از بودجه‌ی عمومی کشور به احزاب می‌شود، به فراکسیون‌ها و گروه‌های پارلمانی - و نه به خود احزاب سیاسی - تعلق می‌گیرد. خلاصه این که حقوق انگلیس، راجع به احزاب، مقررات زیادی ندارد و این تشکل‌های جدی و مهم بیشتر بر اساس عرف و رویه و سنت‌های عادلانه و متصفانه فعالیت می‌کنند و همان اصول عدل و انصاف که در حقوق عرفی Common Law در انگلستان حاکم است، در باره احزاب سیاسی هم جاری می‌باشد.

احزاب، درآمد خود را از حق عضویت اعضا کسب می‌کنند. اکثر کارگران و کارمندان، حق عضویت سالیانه خود را به صورت اتوماتیک از حقوق

ماهیهانی خود کسر می‌کنند و به حساب حزب کارگر می‌ریزند. در بعضی کارخانه‌ها، عضویت در اتحادیه‌ی کارگری Union که به نوبت خود وابسته به حزب کارگر است، برای اشتغال به کار در آن کارخانه الزامی است. به چنین حالتی (Closed Shop مغازه‌ی بسته) می‌گویند. اما دولت محافظه کار انگلیس، در زمان ریاست مارگارت تاچر، قانونی از مجلس گذراند که به موجب آن حق داوطلبان کار که مخالف عضویت در اتحادیه‌های کارگری اند، محفوظ بماند که این قانون مایه‌ی شکاف سیاسی بین اتحادیه‌های کارگری شد.

در آستانه‌ی انتخابات، اعضا هر حزب کمک‌های مالی و عملی و قدمی و قلمی بیشتری به حزب می‌کنند. حزب در آستانه‌ی انتخابات برای تبلیغات از اعضا کمک می‌طلبد. اما مبالغی که نامزدهای مجلس، برای انتخابات هزینه می‌کنند سقف معینی دارد تا پول خرج کردن اضافی در تبلیغات نتواند باعث تفوق پولدارترها در جنگ تبلیغاتی انتخابات شود.

## سازمان ملی و محلی احزاب

از لحاظ سازمانی، هر حزب که در سطح کشور یا ایالت معینی فعال است، در هر حوزه‌ی انتخاباتی که به آن Constituency می‌گویند شورایی محلی که به آن Constituency Association می‌گویند دارد. وظیفه‌ی این شورای محلی، تدارک هزینه‌ی انتخابات و تبلیغ برای رای دادن به نفع حزب در آن حوزه است. به علاوه در داخل آن حوزه‌ی انتخاباتی نیز، هر محله Neighbourhood یا دهکده Village ممکن است شورای محلی کوچک‌تری داشته باشد.

اعضای این شوراها همه کسانی‌اند که حق عضویت خود را به حزب پرداخته و در آن حوزه‌ی انتخاباتی سکونت دائم یا اشتغال به کار داشته باشند. هر شورای محلی یک هیات رئیس دارد که با رای مستقیم اعضا حزب در آن محل، انتخاب می‌شود.

در حد بالاتر، شورای مرکزی احزاب در سطح ملی به صورت اتحادیه عمل می‌کنند که در راس آن یک کمیته اجرایی Committee Executive وجود دارد که انضباط حزبی را در سرتاسر کشور بر عهده دارد.

## انتخاب نمایندگان مجلس عوام

از نظر انتخاب نمایندگان مجلس، در مرحله‌ی اول، اعضا شورای محلی حزب در حوزه‌های انتخاباتی کاندیداها مصاحبه می‌کنند و از بین آنان، یک نفر را به عنوان نامزد حزب خود برای فعالیت یا تجدید انتخاب در انتخابات آینده به کمیته‌ی مرکزی حزب خود معرفی می‌کنند.

## انتخاب نمایندگان مجلس اتحادیه‌ی اروپا

مجلس اتحادیه‌ی اروپا European Parliament، شامل نمایندگان مختلف از حوزه‌های متعدد در کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپاست. این نمایندگان نیز، مانند نمایندگان مجلس عوام انتخاب می‌شوند.

## انتخابات شوراهای محلی (انجمن شهر)

ادب در انتخابات شوراهای محلی Local Election و انجمن‌های شهر Town Council نیز نقش موثری دارند. اما تاثیرشان به اندازه‌ی انتخابات عمومی نیست. به این معنا که در انتخابات شوراهای محلی، مسائل و مشکلات خاص همان حوزه‌ی انتخاباتی از یک سوی و شخصیت و هویت نامزدهای انتخاباتی از سوی دیگر نقش مهم‌تری را ایفاء کنند. به همین دلیل در انتخابات شوراهای محلی و انجمن شهر، بسیار اتفاق می‌افتد که کاندیداهای منفرد یا نامزدهای احزاب کوچک (مانند حزب سبز) در انتخابات موفق شوند، در حاکمی که همین افراد به هیچ وجه در انتخابات عمومی برای مجلس عوام مطرح نخواهند بود. برای مثال، حزب لیبرال دموکرات، در انجمن‌های محلی دومین حزب مهم کشور است. اما در انتخابات مجلس عواما فاصله‌ی بسیار زیادی حزب سوم انگلستان بشمار می‌رود.

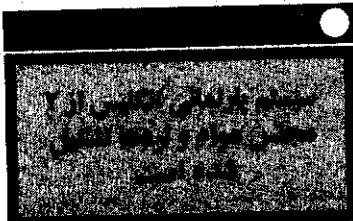
## نقش مهاجران و مسلمانان در انتخابات

اغلب رای دهندگان و انتخاب کنندگان در انتخابات مجلس عوام، مجلس اتحادیه اروپا، و شوراهای محلی، چون انگلیسی تبار و دارای سوابق انتخاباتی اند، رایشان به دلایل سنتی و به ویژه از جهت تعلقات طبقاتی و خاندگی، پیشاپیش قابل پیش‌بینی است. نوعاً کارفرمایان، سرمایه داران، اشراف طبقات متوسط به بالا، یعنی ساکنان محله‌های گران قیمت به حزب محافظه کار رای می‌دهند. بر عکس، طبقه‌ی کارگر و کم درآمد و بیکار، به حزب کارگر احساس تعلق می‌کند و به این حزب رای می‌دهد. آن چه حائز اهمیت و در حقیقت کارساز است، آراء متفکران است که بر اساس محاسبه و تفکر، رای خود را عوض می‌کنند. به چنین نوع آرائی که قابل پیش‌بینی نیست و در هر یک از انتخابات ممکن است به حزب متفاوتی تعین بگیرد، Floating Votes می‌گویند. در این میان چند میلیون مهاجر غیر انگلیسی از جمله قریب دو میلیون مسلمان که به طور دائم در انگلستان مقیم‌اند، در انتخابات حق رای دارند. این گروه انبوه، چون وجدان بقاتی خاص انگلیسی‌ها با تعلقات سنتی و قومی مردم بومی آن کشور را قدند، بر اساس تصمیمات عقلانی رای می‌دهند. این است که احزاب سیاسی انگلستان به آرای این مهاجران توجه خاصی دارند. از جمله برای اولین بار، سه سال پیش در شهر گلاسکو، یک نفر پاکستانی مسلمان به نام "محمد مرور" که کاسب بود، از طرف حزب کارگر نامزد مجلس عوام شد و در انتخابات به پیروزی رسید. هم چنان که پیش از او در شهر بیرمنگام یک مرد نندو مذهب که از مهاجران هندی الاصل انگلستان بود و وکیل دادگستری بود، از طرف حزب کارگر نامزد انتخابات شد و اکنون عضو مجلس عوام است.

## بحث تطبیقی

حال از جهت مطالعه تطبیقی و مقایسه‌ای کافی است ذکر شود که در ایران جز دوره‌های مقطعی کوتاهی (همچون اوایل مشروطیت و اوضاع پس از شهریور ۱۳۲۰ تا کوتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲) احزاب سیاسی هیچ‌گاه به طور

جدی محور فعالیت‌های سیاسی و انتخابات عمومی نبوده‌اند. پس از انقلاب مشروطیت دو حزب مهم ایجاد شده یکی حزب سوسیال دموکرات و اجتماعیان عامیون که حزبی رادیکال و تندرو و چپ‌گرا بود و دیگری حزب اعتدالیون که حزبی میانه‌رو، اصلاح طلب و ملی گرا بود. مرامنامه‌های ده‌ها حزب و نهاد سیاسی در عصر مشروطیت موجود است. این‌ها از لحاظ تئوری یا سوسیالیست‌اند یا اسلامی یا ناسیونالیست یا آمیزه‌ای از هر سه. در اوایل زمامداری رضا شاه، حزب



رادیکال "کاور" و "کانون ایران جوان" فعال بود. اما با توسعه‌ی قدرت سیاسی و اقتدار رضاشاه، همه‌ی تشکل‌های سیاسی اعم از روحانیت، ۵۳ نفر، تبلیغات دینی و حتی

تشکل‌های کاملاً سنتی همچون هیات‌های مذهبی، قرائت قرآن و تعزیه و ... با قهر و خشونت از بین رفت و دیگر تحزب علنی در کار نبود.

پس از شهریور ۱۳۲۰، تا کوتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ احزاب، با همان افکار سوسیالیستی (حزب توده)، ناسیونالیسم (جبهه‌ی ملی) و مذهبی و فدائیان اسلام، نواب صفوی، انجمن تبلیغات اسلامی دکتر عطارالله شهباز پور، هیات قائمیه آیت الله کاشانی و هیات فاطمیه و ... فرجه‌ای برای تشکل و فعالیت یافتند و هر کدام به نوعی در انتقال خواسته‌های مختلف سیاسی به حکومت‌های وقت فعالیت داشتند. بنابراین، اینک نخستین بار است که خلا احزاب سیاسی در ایران به شکل یک مشکل جدی ساختاری مطرح شده است. ما تجربه‌ی کافی در این زمینه نداریم و لذا مطالعات تطبیقی در این زمینه برای ما می‌تواند مفید واقع شود.

پس از بررسی نظام پارلمانی انگلیس و مطابقت آن با وضعیت احزاب در ایران، مشخص می‌شود که حکومت حزبی دارای معایب و محاسنی است. معایب عمده‌ی آن عبارت از دیکتاتوری حزبی، دور شدن از مردم سالاری مستقیم و تسلط حزب بر افراد و اعضاء آن به مفهوم حذف مخالفان جریان حزبی از سیاست عمومی است. اما محاسن آن، مشارکت عمومی در فعالیت‌های سیاسی و مردم سالاری معالواسطه است.

منابع:

- ۱- Encyclopedia Britanica Vol. ۱۴
- ۲- Greaves H.R. The British Constitution London ۱۹۹۸
- ۳- Lapslombara Joseph Myron Weiner (editors) Political Parties and Political Deveio pment new J ersey Princeton University Press ۱۹۶۶

۴- Wade C.S. Constitutional Law London ۶۶۹۱

- ۵- بهار، محمد تقی، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران (انقراض قاجاریه)، تهران، شرکت سهامی چاپ رنگین، ۱۳۲۱ و الهفطیه (نظام مالی) بهمنشور، پیدایش و تحول احزاب سیاسی، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱
- ۶- موراد آندره، تاریخ انگلستان، ترجمه قاسمی، تهران، کتاب امروز، ۱۳۶۶
- ۷- ویلسن، هارولد، نخست وزیران انگلیس ترجمه رضایی راد، تهران، نشر گفتار، ۱۳۶۶